

روایت توییتری خدمت

در شبکه اجتماعی توییتر، بحث بر سر حضور نظامیان دریاری‌رسانی به سیل‌زده‌ها داغ است. اغلب توییتهادر ستایش رشادت‌هاست و تزییق امید به کسانی‌که آسیب دیده‌اند. در این ستون وستون صفحه مقابل تعدادی از این توییتهارابرایتان آورده‌ایم.



روایت گوگل از روز پاسدار

روز پاسدار از آن روزهایی است که تا دلتان بخواهد روایت‌ها و پیام تبریک‌ها برای آن وجود دارد. با وجود این ما بر آن شدیم که ببینیم کمپانی معظم گوگل در مورد این روز چه روایتی به مخاطبان خودش ارائه می‌کند.

اگر عبارت روز پاسدار را در موتور جست‌وجوگر اینترنتی گوگل سرچ کنید با حواشی



این همان تصویری است که مرتضی صالحی در لرستان شکار کرده. افسری که از بازماندگان حادثه تروریستی زمستان گذشته در بلوچستان است و حالا در مناطق سیل‌زده لرستان به کمک هموطنانش آمده است

کفرسوسه، بهارستان، لرستان

بیست‌وسوم بهمن ۱۳۸۶؛ حدود سی دقیقه‌ای از ساعت ۲۲ گذشته بود که مرد از جیب پاجیروی میتسویشی خود در محله کفرسوسه دمشق پیاده شد. او عزم رفتن به آپارتمانی در همان محدوده را داشت. قرار بود به جلسه مهمی برسد. هیچ تصویری از او تا شش ماه قبل در اختیار کسی نبود. انگار که سایه باشد. اما حالا چند ماهی می‌شد که بگویی نگویی سر نخ‌هایی از او این طرف و آن طرف پیدا شده و درش رازده بودند. مرد به آرامی از پاجیروی نقره‌ای خودش پیاده شد که دقایقی بعد آن اتفاق رخ داد. صدای انفجار بزرگی در نزدیکی مدرسه ایرانیان در دمشق، محله کفرسوسه را لرزاند. خودرویی که در کنار خیابان و در مسیر عبور مرد پارک شده بود منفجر شد. مردان دیگری که در همان حوالی می‌پلکیدند، خبر موفقیت‌آمیز بودن عملیات را به تل‌اوویو مخابره کردند. در همان دقایق اولیه که مسؤولان اسرائیلی داشتند با ذوق به تیتز فردای رسانه‌های جهان فکر می‌کردند اولین نفری که خودش را بالای پیکر غرقه به خون عماد مغنیه رساند یک ایرانی بود. یکی از افسران بلندپایه سپاه پاسداران که مغنیه برای جلسه با او خودش را به کفرسوسه دمشق رسانده بود؛ سرتیپ محمد پاکپورا پاکپور دو سال بعد از آن اتفاق شد فرمانده نیروی زمینی سپاه پاسداران و کمی از

حجاب بیرون آمد. او که از سال‌ها قبل در شمال غرب ایران با تجزیه‌طلب‌ها جنگیده و آبدیده شده بود مدتی هم به عنوان یک فرمانده بلندپایه برای دفاع از منافع ملی علیه رژیم صهیونیستی، بین ایران، سوریه و لبنان در رفت و آمد بود. حتی زمانی که تروریست‌ها به مجلس شورای اسلامی هجوم بردند و قصد سلاخی مردم را داشتند او هم خودش را رسانده بود بهارستان. شاید خیلی‌ها نمی‌دانستند فرمانده تکاوران صابرين سپاه که خودش اسلحه به دست در میدان بهارستان می‌پلکد، فرمانده نیروی زمینی یکی از قدرتمندترین نیروهای نظامی منطقه است. فرمانده اما همین زمستان گذشته هم دوباره خبرساز شد. خبر رسیده بود یکی دو کشور مرتجع منطقه با هماهنگی اسرائیلی‌ها ایده اشغال موقت جزایر ایرانی خلیج فارس را در اتاق فکرهای استراتژیک خودشان زرمه می‌کنند. ایده‌ای که البته فقط در مرحله نظر بود و هنوز جا داشت تا مشخص شود که اجرایی خواهد شد یا نه. همین هم اما برای فرماندهان ایرانی تحمل‌پذیر نبود.

این بود که دوباره به فرمانده ماموریت داده شد و فرمانده و نیروهایش به قشم در نزدیکی تنگی هرمز اردو کشیدند تا یکی از مهم‌ترین رزمایش‌های تهاجمی را جلوی چشم همه به تصویر بکشند که ایرانی‌ها بر سر

حيثيت و خاک‌شان باکسی شوخی ندارند. ارتش امارات اول از همه پیام را گرفت و رفت به

حالت آماده‌باش. سعودی‌ها هم که دیگر

جای خود دارند. فرمانده حالا فرمانده

عملیات میدانی نیروهای سپاه در

لرستان است. روزت مبارک

آقای پاکپورا



دهه هشتادی‌های زلزله

بخش قابل توجهی هم از کسانی که این روزها آستین بالا زده و عازم مناطق سیل‌زده شده‌اند، بسیجی‌ها و جهادی‌ها و مردم معمولی هستند که خیلی‌هایشان حتی منتظر درخواست و دستور کسی هم نمانده‌اند. آدم‌هایی که خیلی‌هایشان نظامی نیستند، اما شیپور حادثه که دمیده می‌شود در صحنه حاضرند. آدم‌هایی که به تعبیر یکی از نویسنده‌ها در هیچ چارچوبی نمی‌گنجند و بعضاً همین ننگچیدن در هیچ چارچوبی است که ممکن است در ظاهر روی اعصاب نظم اداری باشند و افرادی که با این نظم خو گرفته‌اند. جواد موگویی، پژوهشگر و مستندسازی که این روزها در پلدختر حاضر است و همین چند روز قبل درباره یکی از تصاویری که از مردم این شهر ثبت کرده روایت جالبی از بعضی از اینها دارد که بعضاً لیخند را هم روی لب خواننده می‌نشانند. اصلاً بپایید حرف‌های او را درباره یکی از این جماعت با هم مرور کنیم؛

«ساعت ۴ صبح رفتم میدان امام حسین (ع) شهر و قهوه‌خانه سرراهی. قند را در دهان گذاشتم که یک بچه ۱۷-۱۶ ساله آمد و گفت، داداش پول نقد داری؟ می‌خواهم پول کرایه تاکسی بدهم اما اینجا عابر بانک نیست.» بهش گفتم: «بچه کجایی؟» گفت: «شهریارا» گفتم: «اینجا چه می‌کنی؟» گفت: «آمدم کمک!» گفتم: «تنهایی؟» گفت: «بچه‌های پایگاه بسیج محل مان چند روز است اینجا پیدا عروسی دختر خاله‌ام بود بعد از عروسی راه افتاد.» متولد مرداد ۸۰ بود. با اتوبوس آمده بود خرم‌آباد و از آنجا هم تاکسی در دست گرفته بود به پلدختر ۱۳۰ هزار تومان! به جز اینها، خیلی‌های دیگر هم آستین بالا زده و راهی شده‌اند. از شهر و روستا، از شرق و غرب ایران. بسیجی‌ها و جهادی‌ها و اینها و خیلی‌ها دیگر هم لباس نظامی ندارند، اما حتماً روز پاسدار، روز اینها هم هست؛ روزتان مبارک!

جالبی مواجه می‌شوید. جناب گوگل برای این عبارت حدود شش میلیون و ۳۴۰ هزار نتیجه را در کسری از ثانیه برای کاربر لیست می‌کند. به جز این مساله، سایر عبارت‌های مشابهی که گوگل برای این نتیجه در اختیار کاربر قرار می‌دهد هم جالب است.

در روز پاسدار از پاسداران سپاهی و ارتشی روایت کرد

روزتان مبارک پدر

در گزارش‌های مختلف تاریخی آمده است که پیامبر(ص) هنگام تولد امام حسین (ع) اشک به چشمانش آمد. گفته‌اند این اشک به چشمان آمدن رابطه‌ای دارد با اطلاعی که پیامبر(ص) از آینده کودک تازه متولد شده داشته و حوادثی که سال‌ها بعد برای او رخ داد. بعد از شهادت حضرت امیر(ع)، احترام زیادی برای برادر بزرگ‌تر خود امام حسن مجتبی‌(ع) قائل بود. بعد از شهادت امام حسن (ع) هم تا زمان مرگ معاویه به پیمان صلحی که امام مجتبی‌(ع) بسته بود وفادار ماند. با مرگ معاویه اما تن به بیعت با یزید نداد حتی به قیمت شهادت خودش و آواره شدن خانواده‌اش. همین‌ها هم باعث شد که امام خمینی(ره) بعد از پیروزی انقلاب با پیشنهاد مسؤولان سپاه برای نامگذاری روز ولادت ایشان به نام «روز پاسدار» موافقت کند. به تعبیر خود رضایی(می‌خواستیم به دشمنان ملت ایران و اسلام بگوییم



محمدصادق علیزاده

فرهنگ و هنر

شاتر طلایی آقای عکاس

است. خب تا اینجا پیش که مشکلی نیست، اما جالب آنجاست که بدانید این افسر سپاهی از بازمانده‌های همان حادثه تروریستی بهمن هم گذشته است که صالحی در حاشیه آن یک تصویر شاهکار خلق کرد. (تصویرش را در سوتیتر سمت راست ببینید) روز

پاسدار حتماً روز این افسر هم هست. روز شما هم مبارک آقای افسر گمنام که برایت فرقی نمی‌کند

شرق کشور باشی و درگیری با تر و رست‌های تکفیری یا غرب کشور و بیل زدن در خانه یک هموطن گرفتار سیل! شرح عکسی که صالحی برای این تصویر نوشته اما از خود تصویر جالب‌تر است. طبق گفته صالحی،

این فرد یکی از پاسداران لشکر ۱۴ امام حسین(ع) اصفهان



عکس: ایستنا



عکس: تسنیم

